

۱ دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خدا بیاورید.

۲ پرستش (۲۰ دقیقه)

خدا صلح دهنده است

موضوع: خدا صلح‌دهنده است.

روی تخته سفید بنویسید و بخوانید:

غضب (نفرت، دشمنی) منصفانه خدا نسبت به شیوه زندگی انسان طبیعی:

یوحنا ۳:۳۶، رومیان ۱:۱۸،افسسیان ۲:۱- ۳، کولسیان ۳:۵- ۹، مزمور ۵:۴- ۶، ۱۱:۵، اشعیا ۶۳:۱۰.

نگرش خصمانه غیرمنصفانه انسان نسبت به خدا: کولسیان ۱:۲۱، رومیان ۵:۱۰.

محبت غیرمنصفانه خدا نسبت به ما (زیرااستحقاق چنین محبتی را نداریم): رومیان ۵:۱- ۲و ۶و ۸- ۱۰،افسسیان ۲:۱۲- ۱۴، کولسیان ۱:۱۹- ۲۲.

«دشمنان خدا» به چه معنایی است؟ آیا همه مردم در وضعیت طبیعی خود دشمنی علیه خدا را می‌پرورانند و خدا را دشمن خود به حساب می‌آورند؟ یا اینکه خدا نسبت به مردم در وضعیت طبیعی شان خشمگین است و آنها را دشمن خود می‌پندارد؟ پاسخ هردوی اینها است.

در وضعیت طبیعی خود همه مردم از مسیح جدا هستند از شهروندی قوم خدا محرومند و نسبت به عهدهای وعده بیگانه هستند. نومید و بی‌خدا در دنیا، دورافتاده و در عقل خود تاریک و از حیات خدا محروم اند (افسسیان ۲: ۱۲ـ ۱۳، ۴: ۱۸).

این وضعیت جدایی به دلیل نادانی یا بی‌گناهی به وجود نیامده است. قطعا هیچ بی‌خدایی وجود ندارد که بی‌گناه باشد. در وضعیت طبیعی همه مردم با خدا غریبه هستند و همینطور که با اعمال شریرانه خود نشان می‌دهند فطرتا با او دشمنی دارند(کولسیان ۱: ۲۱). مقصر خود آنها هستند که از خدا دور مانده‌اند برای اینکه در واقع از خدا نفرت دارند و دشمن خدا هستند. وقتی خدا بارها از طریق وجدان و مکاشفه خود در طبیعت و تاریخ، خود را به آنها می‌شناساند، در همان وضعیت دشمنی با خدا حقیقت را با شرارتشان پایمال می‌کنند (رومیان ۱: ۱۸– ۲۳). نفرت ذاتی و درونی آنها از خدا، تنفر آنها از صدای وجدان و نادیده گرفتن حقایق در طبیعت و تاریخ، در اعمال شریرانه آنها آشکار می‌شود که یک به یک در کولسیان ۳: ۵-۹ شمرده شده‌اند. دشمنی نابخشودنی آنها که در زندگی شریرانه‌شان نشان داده می‌شود سزاوار خشم و غضب خداست (رومیان ۱: ۱۸، کولسیان ۳: ۶). بنابراین در وضعیت طبیعی و عادی همه مردم گناهکارند (رومیان ۳: ۲۳) و «فرزندان غضب خدا» هستند (افسسیان ۲: ۳).





۱ - <u>مصالحه در سه نوع ارتباط ضروری است.</u>

الف- <u>**خدا** نخست با ما مصالحه می‌کند.</u>

در وضعیت طبیعی و قبل از اینکه تولد تازه بیابیم، خدا ما را دشمنان خود به حساب می‌آورد. به این معنی که خدا ما را اشخاصی می‌داند که ارتباطی غلط با او داریم و کارهای اشتباه انجام می‌دهیم. پس خدا نسبت به ما خشمگین است. خشم یا غضب خدا متوجه همه بی‌دینان و مردمان شریر جهان است (رومیان ۱: ۱۸) خشم یا غضب خدا نسبت به همه کسانی که به عیسای مسیح ایمان نمی‌آورند و او را اطاعت نمی‌کنند باقی می‌ماند (یوحنا ۳: ۱۸، ۳۶). واژه «دشمنان» (رومیان ۵: ۱۰) مشابه کلمه «بی‌دینان» (رومیان ۵: ۶) و «گناهکاران» (رومیان ۵: ۸) است. به هر صورت خشم یا غضب خدا هیچ وقت همراه با احساس نفرت یا اعمال غیرعادلانه نیست. خشم و دشمنی خدا همیشه مقدس و کاملا عادلانه (منصفانه)است و هیچگاه

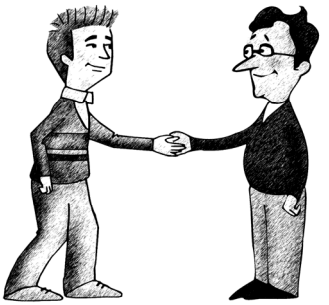
«گناه‌آلود» نیست (افسسیان ۴: ۲۶). عدالت (انصاف) و محبت فقط در ذات الهی خدا کاملا با یکدیگر هماهنگ هستند.

«محبت» خدا با این حقیقت ابراز می‌شود که او اولین قدم را دربازگشت ما به سمت خودش برداشت و با ما مصالحه نمود. این ما نیستیم، بلکه خداست که در مصالحه با ما قدم اول را برمی‌دارد. قربانی کفاره‌ای عیسای مسیح بر روی صلیب، خشم مقدس و عادلانه (منصفانه) و دشمنی (نفرت) خدا علیه گناهان ما (بی‌دینی و شرارت) را دور ساخت. قربانی کفاره، خشم خدا را فرو نشاند و در نتیجه خدا را با ما مصالحه داد. از طریق صلیب عیسای مسیح، خدا با ما صلح می‌کند. او دیگر به ما با خشم مقدس نگاه نمی‌کند، او با ما آشتی کرده است!



ب- بنابراین فقط **ما** می‌توانیم با خدا مصالحه کنیم.

فقط وقتی می‌توانیم با خدا آشتی کنیم که به عیسای مسیح ایمان آوریم (رومیان ۵: ۱– ۲). با ایمان می‌پذیریم که خداا از طریق عیسای مسیح با ما آشتی کرده و ما را با خود مصالحه داده است تا ما با خدا آشتی کنیم و با او در صلح و آرامش به سر ببریم.امروز روح‌القدس کار کامل نجات مسیح در گذشته را در زندگی ایمانداران به کار می‌گیرد. روح‌القدس سخاوتمندانه در قلب‌های ما صلح ایجاد می‌کند و به عنوان ثمره کار کامل نجات مسیح در قلب ما زندگی می‌کند (غلاطیان ۵: ۲۲– ۲۳). وقتی به عیسای مسیح ایمان می‌آوریم، با خدا آشتی می‌کنیم و صلح خدا را در قلب‌هایمان می‌پذیریم. دیگر در ذات خود دشمن خدا نیستیم واز او نفرت نداریم. دیگر خدا را دشمن خود به حساب نمی‌آوریم. ما با خدا آشتی کرده‌ایم!



پ- سرانجام، **ما** برروی زمین با دیگران صلح می‌کنیم.

تنها بعد از اینکه شخصا تجربه می‌کنیم خدا چطور با ما آشتی کرده است، می‌توانیم با دشمنانمان بر روی زمین آشتی کنیم. قبل از مرگ و قیام عیسای مسیح، قوانین تشریفاتی باعث شد یهودیان و امت‌ها (غیریهودیان) با یکدیگر دشمن شوند. در

زمینه‌های اجتماعی و مذهبی یهودیان و امت‌ها با یکدیگر در تضاد بودند. از نظر قوانین اجتماعی و مذهبی و سنت‌ها، زندگی در صلح با یکدیگر برای آنها غیرممکن بود، اما مرگ عیسای مسیح بر روی صلیب قوانین شریعت را به انجام رسانید (متی ۵: ۱۷). تشریفات شریعت را با فرامین و قوانینش نابود (افسسیان ۲: ۱۵) و محو ساخت (کولسیان ۲: ۱۴). بدین ترتیب عیسای مسیح صلح‌دهنده میان امت‌ها و قومی شد که قبلا دشمن همدیگر بودند (افسسیان ۲: ۱۴). یهودیان و امت‌ها که از طریق عیسای مسیح با خدا مصالحه نموده‌اند، حالا از طریق عیسای مسیح می‌توانند با یکدیگر آشتی کنند! عیسای مسیح انتظار دارد مسیحیان با دشمنانشان در صلح و آرامش زندگی کنند. او می‌گوید: «خوشا به حال صلح‌کنندگان» (متی ۵: ۹) و پـــولس می‌گوید: «اگر ممکن است به قدر قوه خود با جمیع خلق به صلح بکوشید» (رومیان ۲: ۱۸).

۲- صلح شامل دو بخش است.

کلمه «صلح» در کتاب مقدس به صراحت دارای دو معنی مهم است.

الف- صلح به معنی نبودن چیزی بداست.

صلح به معنی نبودن نزاع و جنگ خارجی است. صلح همینطور به معنی نبودن خشم،آزردگی،احساسات محرک یا تناقضات اخلاقی درونی یا غیره است. اغلب اوقات مردم جهان کلمه صلح را با نبودن جنگ و مبارزه ارتباط می‌دهند.

ب- صلح به معنی وجود چیزی خوب است.

صلح به معنی وجود یکپارچگی است. صلح، یکپارچگی را که قبلا از هم گسیخته شده دوباره ایجاد می‌کند. صلح احیای یک ارتباط از هم گسیخته و از سرگیری هدفی است که متوقف شده است. شفای احساسات جریحه‌دار، برقرار کردن چیزهایی که خدا وجود آنها را در زندگی ضروری تشخیص داده است و غیره. برای مثال وقتی در سنین کودکی والدین خود را از دست داده‌اید و احساس شکست‌خوردگی می‌کنید یا اینکه در گذشته زندگی بسیار آلوده‌ای داشته‌اید، خدا می‌تواند جراحت شما را برطرف کند و شما را دوباره کامل سازد گویی آن اتفاق غم‌انگیز هرگز رخ نداده است. خدا پدر، مادر و دوستی بهتر از پدر، مادر یا دوست زمینی است. خدا نه فقط گناهان گذشته شما را می‌بخشد، بلکه نتایج گناهان گذشته شما را محو می‌کند.

او نه تنها دشمنی را محو می‌کند و نقایص شما را می‌بخشد، بلکه نتایج گناهان گذشته شما را نیز محو می‌کند. او دشمنی را محو می‌کند و نقایص را برطرف می‌کند. خدا نه تنها صلح‌دهنده عظیم است، بلکه شفادهنده و کامل‌کننده عظیم است.

۳- صلح برپایه حقیقت است نه احساسات

بخوانید: یوحنا ۸: ۳۱ – ۳۲، ۳۶

الف- حقیقت ابدی است.

تنها پایه و اساس پایدار صلح، حقایق کتاب مقدس هستند. فقط حقایق الهی است که می‌تواند شما را از تمام چیزهایی که فکرتان، احساساتتان و روابطتان را بسته آزاد کند.

ب- احساسات قابل تغییر هستند.

احساسات شما می‌تواند بسته به تغییراتی که به شرایط می‌دهید بسیار متفاوت باشد. عدم وجود صلح در شما همیشه بر اساس حقیقت نیست. برای مثال، اعتماد به نفس کم یا ترس اینکه خدا به شما توجه نمی‌کند، براساس دروغ شیطان است (یوحنا ۸: ۴۴، افسسیان ۶: ۱۶). بعضی اوقات عدم وجود صلح در شما غیرقابل اجتناب است. برای مثال، وقتی کاری را که در نظر خدا درست است انجام می‌دهید، ممکن است کسانی که از کار شما متنفر هستند باز هم با شما مخالفت کنند. مخالفت، تمسخر و جفا موقعیت‌های صلح‌آمیزی نیستند و می‌توانند موجب احساس نگرانی، ناامیدی و حتی ترس در وجود شما شوند. این چیزها برای مسیحیان اتفاق میفتد. صلح درونی، ایمان شما است به آنچه خدا را خشنود می‌سازد واز طرف دیگر عدم وجود صلح خارجی، احساس نگرانی شماست در مواقعی که دیگران با ایمانتان مخالفت می‌کنند و شما باید یاد بگیرید بین این دو تمایز قائل شوید. به هر حال وقتی کاری انجام می‌دهید که در نظر خدا اشتباه است یا آنچه را که او از شما می‌خواهد باشید یا انجام دهید به تعویق می‌اندازید، منجر به عدم وجود احساس صلح و آرامش در احساسات و روابط شما می‌گردد، اما تسلیم بودن، اطاعت سریع از خواسته خدا و وقف شدن جدی به آنچه خدا از شما می‌خواهد باشید یا انجام دهید، قطعا منجر به ایجاد صلح و آرامش در احساسات و روابط شما خواهد شد. خدا نه فقط صلح‌دهنده اعظم شما بلکه رهاننده عظیم شما نیز هست. او می‌خواهد شما از هر آنچه اسیرتان می‌سازد، آزاد شوید.

پرستش کنید: خدا را به عنوان صلح‌دهنده، شفادهنده و رهاننده بپرستید. خدا را بپرستید چون با شما صلح کرده، شما را شفا داده یا آزاد کرده است. در گروه‌های کوچک سه نفره پرستش کنید.

۳ در میان گذاشتن برکات(۲۰ دقیقه)

اعمال رسولان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اعمال رسولان ۱: ۱ – ۳: ۱۰) با دیگران **در میان بگذارید**(یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).

به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرف‌هایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد بحث نکنید.

۴ تعلیم (۷۰دقیقه)

اعتماد به نفس مسیحی

الف- مردم درمورد خودشان چه فکر می‌کنند.

«اعتماد به نفس» برآوردارزش شماست. بسیاری از مردم می‌گویند: «خودم را دوست ندارم» یا «زندگی‌ام بی‌ارزش است». شما چقدر خودتان را باارزش می‌دانید؟ درمورد ارزش خودتان چطور قضاوت می‌کنید؟ آیا درمورد خودتان، اعتقادی مساعد یا نامساعد دارید؟ آیا نسبت به سایر مردم احساس پست بودن می‌کنید؟ آیا احساس می‌کنید زندگی شما هدفی ندارد؟ کتاب مقدس در مورد اعتماد به نفس چه تعلیمی می‌دهد؟

ب- متمرکز بر خدا (مسیح)

(هر وقت این تصویر را می‌کشید، **شماره‌ها را به ترتیب دنبال کنید**:
نخـــست شماره‌های ۱ تا ۳ را پایـــین سپس شماره ۴ را در وسط و در آخر شماره‌های ۵ تا ۷ را بالا).

۷- شخصیت من بیشتر و بیشتر شبیه مسیح می‌شود.

بخوانید:افسسیان ۵: ۱– ۲ و دوم قرنتیان ۳: ۱۸ **سؤال:** چطور می‌توانم شبیه مسیح شوم؟ با سرمشق‌گیری از مسیح با محبت زندگی می‌کنم. با منعکس کردن همیشگی مسیح دائما تغییر می‌کنم و بیشتر و بیشتر به شباهت مسیح درمی‌آیم.

۶- با رشد کردن در مسیح اعتماد به نفسم افزایش می‌یابد.

الف- بخوانید: اشعیا ۴۳: ۴ و ارمیا ۲۹: ۱۱ **سؤال:** ارزشیابی خدا از من چیست؟
از نظر خدا من ارزشمند هستم.از نظر خدا من مورد احترام و محبت هستم. خدا برای زندگی من برنامه‌ای باارزش دارد.
با باور کردن آنچه خدا درمورد من می‌گوید ارزیابی من از خودم در جهت مثبت تغییر می‌کند.

ب- بخوانید: کولسیان ۲: ۶ – ۷ **سؤال:** چگونه «ریشه کردن» و بنا شدن در مسیح باعث رشد اعتماد به نفس شما می‌شود؟ با رشد در مسیح به سوی بلوغ، ریشه‌های من (امنیت من: احساس می‌کنم که بی‌قید و شرط توسط خدا محبت می‌شوم) عمیق‌تر و عمیقتر رشد می‌کنند و بنای من (اهمیت من: می‌دانم که زندگی من برای خدا بسیار باارزش است) بلندتر و بلندتر می‌شود.

بخوانید: عبرانیان ۱۰: ۲۴– ۲۵

سؤال: سهم برادران و خواهرانم چیست؟ با ملاقات منظم یکدیگر، با ایمانداران، محبت من نسبت به خدا، نسبت به دیگران و نسبت به خدا پیوسته رشد عمیق‌تری می‌کند و اعمال خوب من (وظایف من در ملکوت خدا) دائم رشد می‌کنند.

۵- بیشتر بر مسیح متمرکز می‌شوم و نه بر جهان.

بخوانید: کولسیان ۳: ۱– ۴ ، ۲۳ – ۲۴

سؤال: تمرکز من باید بر چه چیز باشد؟

باید تمرکز بر مردم و سایر چیزهای دنیوی را کنار بگذارم و در عوض بر مسیح و زندگی کردن و کار کردن برای او متمرکز شوم. چون می‌دانم سرنوشت آینده من ظاهر شدن با مسیح در جلال و دریافت میراث ابدی من است.

۴- تمرکز خود را تغییر می‌دهم.

بخوانید:اول یوحنا ۱: ۸– ۹

سؤال: چطور می‌توانم تمرکز بر چیزهای غلط را به سمت تمرکز بر چیزهای درست تغییر دهم؟ مقایسه کردن خودم با سایر مردم (یا با خود ایده‌آل) گناه است.

نتایج بسیار ناشی از این مقایسه نیز گناه هستند.

تمرکز خود را با اعتراف گناهانم، با دریافت بخشش خدا و پاک شدن تغییر می‌دهم.

۱-خودم را با شخص دیگری (یا با خود آرمانی‌ام) مقایسه می‌کنم.

این امر منجر به احساسات و افکار منفی زیر می‌شود:

یا احساس **پست بودن** (کمتراز دیگران بودن) می‌کنم یا احساس **برتری** (بهتر از دیگران بودن).

الف- خودم یا او را **دوست ندارم**.

ب- از اینکه خدا این طور مرا آفریده **راضی نیستم** یا به خودم مغرورم و به خود می‌بالم.

پ- نسبت به آنچه او دارد **حسادت می‌کنم** یا آنچه را که دارد بی‌ارزش می بینم.

ت- از افکار او نسبت به خودم **می‌ترسم** یا نسبت به آنچه درمورد من فکر می‌کند، بی‌توجه هستم.

ث- از ضعف‌های خود **انتقاد می‌کنم** و خودم را خوار می‌سازم، یا از ضعف‌های او انتقاد می‌کنم و او را خوار می‌سازم.



ج- از او **دوری می‌کنم**، چون **می‌ترسم** به من آسیب برساند و مرا رد کند، یا بی‌فکر و بی‌توجه هستم و اهمیتی نمی‌دهم که ممکن است به او آسیب برسانم و یا او را طرد کنم.

چ- سعی می‌کنم او را **راضی کنم** تا مرا دوست داشته باشد و بپذیرد. یا مستبد هستم و توقع دارم (انتظار دارم) که او مرا راضی کند، غیره.

۲- هر بار که او را می‌بینم بدتر می‌شوم.

هر بار که این شخص را می‌بینم بیشتر اعتماد به نفسم را در هنگام سخن گفتن یا رفتار کردن با دیگران از دست می‌دهم و نسبت به خودم منفی‌تر می‌شوم یااینکه در حرف و رفتارم نسبت به مردم بیشتر متکبر و زورگو می‌شوم و غیره. به مرور زمان در زندگیم بدتر می‌شوم.

۳- شخصیت من دقیقاً شبیه احساسم و افکارم می‌شود.

سرانجام دقیقا شبیه آنچه درمورد خودم فکر می‌کنم و احساس می‌کنم می‌شوم. حتی شبیه آن شخص دیگر می‌شوم.

بخوانید: غلاطیان ۶: ۷– ۸

سؤال: چه اصولی شخصیت مرا شکل می‌دهند؟

الف- اصل این است که:

وقتی مدام افکار یا الگوهای رفتاری مشخصی می‌کارم، پس شخصیت مشابه‌ای را هم درو خواهم کرد.

ب- مدام افکار و رفتار تحقیرآمیزی را می‌کارم که منجر به ایجاد شخصیتی **نا اطمینان، ترسان** و **ناراضی** می‌شود. خودم را تحقیر می‌کنم و از سایر مردم می‌ترسم. اعتماد به نفس کمی دارم.

پ- مدام افکار و رفتار مغرورانه‌ای دارم که منجر به ایجاد شخصیتی **متکبر، مغرور، بی‌توجه** و **نفرت‌انگیز** می‌شود. دیگران را تحقیر می‌کنم یا بر آنها حکمرانی می‌کنم. اعتماد به نفس غلط یا کاذب دارم.

خلاصه: خودتان را با دیگران مقایسه نکنید، بلکه بر مسیح متمرکز شوید.

پ- متمرکز بر اهداف خدا



شخص خود محور
فرد «متمرکز بر خود»

شخص دیگر محور
فرد «متمرکز بر اهداف خدا در دیگران»

بخوانید: فیلیپیان ۲: ۳– ۵، ۲۰– ۲۱

کشف و گفتگو کنید: خدا دستور می‌دهد شما چه کار کنید؟

ملاحظات: خدا به شما دستور می‌دهد بر اهداف او در سایر مردم متمرکز شوید نه فقط بر علایق خودتان. وقـــتی با خودتان مشغول می‌شویداز خودتان این سؤال را بپرسید: «چرا بر خودم متمرکز هستم؟» البته بعضی اوقات ممکن است هر شخص که با مشکلات یااحساسات جریحه‌دار خود مشغول شود. پس به

محبت و توجه دیگران نیاز پیدا می‌کند و بایداین توجه و کمک را از دیگران بطلبد تا بعد دوباره بتواند خودش را وقف دیگران کند.

خلاصه: برخودتان متمرکز نشوید، بلکه بر اهداف خدا در سایر مردم.

ت- متمرکز بر حقایق خدا

۱- شما خلقت فوق‌العاده خدا هستید.

بخوانید: مزمور ۱۳۹: ۱۴

توجه و گفتگو کنید: خدا چقدر شما را فوق‌العاده آفرید؟ بخصوص توجه کنید که بعضی از قسمت‌های بدن شما چقدر فوق‌العاده هستند. مثل چشمها یا دستهای شما.

همچنین به روح خود تـــوجه کنید (توانایی شما برای شناخت خدا)، وجدانتان (توانایی شما برای تشخیص درست از غلط)، درک شهودی شما(توانایی شما در تشخیص فریب یا خطر به صورت شهودی) و خلاقیت شما (توانایی اختراع کردن یا ساختن چیزهای جدید).

درمیان بگذارید: چه چیزی را درمورد خودتان دوست ندارید؟

درس: دوست نداشتن طریقی که خدا شما را با آن ساخت باعث می شود نتوانید به او اعتماد کنید، اما پذیرش شیوه‌ای که خدا شما را با آن ساخته باعث می شود به او اعتماد کنید.

۲- با خدا، کمبود هیچ چیز خوبی را احساس نخواهید کرد.

بخوانید: مزمور ۲۳: ۱، ۳۴: ۱۰

درمیان بگذارید:

۱- احساس می‌کنید چه کمبودهایی دارید؟

۲- وقتی احساس می‌کنید چیزی ندارید چه کار می‌کنید؟ (برای مثال وقتی فکر می‌کنید چیزهایی مثل غذا و پناهگاه، امنیت یا استراحت، یا کمک در وادی سایه موت و یا کمک در برابر دشمن و یا کمک در تماس با خدا را ندارید).

گفتگو کنید: با هم در مورد راه‌های مختلف انسان برای جبران کمبودها گفتگو کنید. مثل سرپوش گذاشتن (نهان کردن)، سخت کار کردن، افراط کردن، اعتیاد، خرید کردن، نقش بازی کردن یا غیره. این راه‌ها را با راه‌های روحانی که این کمبودها را برطرف می‌کنند مقایسه کنید. مثل دعا، پرستش، قناعت، شکرگزاری و غیره.

درس: تمرکز دائمی بر چیزهایی که تصور می‌کنید ندارید باعث یافتن اولویت‌های غلط می‌شود، اما تمرکز بر چیزهایی که در مسیح دارید باعث بدست آوردن اولویت‌های درست می‌شود.

۳- <u>وقتی با خدا هستید برای افزایش اعتماد به نفس خود به هیچ کس یا هیچ چیز دیگر احتیاج ندارید.</u>

بخوانید: غلاطیان ۱: ۱۰، ارمیا ۱۷: ۵– ۸

در میان بگذارید: برای برطرف کردن نیاز پذیرش خود توسط سایر مردم چه می‌کنید؟

گفتگو کنید: چگونه انسان تمایل دارد تسلیم این گونه احساسات بشود احساساتی نظیر: چشم دوختن به تنگی‌ها، راضی کردن دیگران، جبران ضعف‌های اجتماعی از طریق مادیات یا فرار از مردم به طرف فعالیت‌هایی که شما را برای خدمت کردن مسیح بی‌کفایت می‌کند؟

درس: دوست داشتن یا نداشتن دیگران با انگیزه اشتباه، باعث بی‌کفایتی شما در خدمت کردن به مسیح می‌شود. متمرکز شدن مدام بر خود (پذیرش خود)، منجر به بی‌ثمر بودن می‌شود، اما وقتی مسیح، «چشمه» (مزمور ۳۶: ۹، یوحنا ۷: ۳۷- ۳۹) یا «تاک» (یوحنا ۱۵: ۵) زندگی شماست، زندگی شما میوه بسیار خواهد آورد.

خلاصه: به ارزش‌های دنیوی اعتماد نکنید، بلکه بر حقایق خدا و ارزشـــهای کتاب مقدس متمرکز شوید.

۵ دعا (۸دقیقه)

دعای در پاسخ به کلام

به نوبت در تمام گروه یا در حالی که به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶ تکلیف منزل (۲ دقیقه)

برای درس بعد

سر گروه: (رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ـ تعهد- متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته‌های درس «اعتماد به نفس مسیحی» را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.

۲ـ رازگاهان- هر روز نیمی از یک فصل را از قسمت اعمال رسولان ۳: ۱۱– ۷: ۶۰ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.

۳ ـ بررسی کتاب مقدس- درس بعدی بررسی کتاب مقدس را در خانه آماده کنید(یوحنا ۱۵: ۱۳– ۱۵). موضوع «خصوصیات دوستی مسیحی چیست؟» از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید و یادداشت بردارید.

۴ـ دعا- در این هفته برای یک شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳)

۵ـ آموخته‌های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد پرستش، رازگاهان، یادداشت‌های تعلیمی و این تکلیف منزل یک دفتر (یا پوشه) درست کنید.